



سیره امام علی (ع) در مقابله با اشرافی‌گری و نقش الگویی آن در جمهوری اسلامی ایران

سیدحسین علیاناسب^۱ صمد بهروز^۲ عمران عباسپور^۳

مقدمه و بیان مسأله

انگیزه‌ی امام علی (ع) از پذیرفتن حکومت برقراری عدالت، دفاع از مظلومان، مقابله با ظالمان و مستکبران و ایجاد زمینه‌های لازم برای رشد و پویایی جامعه‌ی اسلامی بود و تصریح فرمود که حکومت ارزش ذاتی ندارد بلکه ارزش آن به این است که از چنین اهداف متعالی برخوردار باشد: «لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِيُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارُوا عَلَى كِطَّةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعَبٍ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيَّهَا وَ لَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَوْ هَدَّ عِنْدِي مِنْ غَفْطَةٍ غَنْزٍ؛ اگر گروهی برای یاری من آماده نبودند و حجت خداوند با وجود یاوران بر من تمام نمی‌گشت و پیمان الهی با دانایان در باره عدم تحمل پرخوری مستکبران و گرسنگی ستمدیدگان نبود مهار این زمامداری را به دوشش می‌انداختم و انجام آن را مانند آغازش با پیاله بی‌اعتنایی سیراب می‌کردم و در آن هنگام می‌فهمیدید که این دنیای شما در نزد من از اخلاط دماغ یک بز ناچیزتر است» (نهج البلاغه، خطبه ۳).

حال با توجه به این که حکومت علوی قاعده و معیار اقتدار و قدرت مداری در جامعه اسلامی و ضابطه حاکمیت دینی می‌باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۶/۳۰) این شعار حضرت علی پس از چهارده قرن تجدید و تکرار شد و انقلاب اسلامی ایران با ندای حمایت از مستضعفین، خود را به سایر جوامع معرفی کرد و دوری از تَبَرُّج و اشرافیت را شعار خود قرار داد. اما آسیبی که هر دو حکومت علوی و انقلاب اسلامی را به چالش کشید اشرافی‌گری بود؛ حکومت علی (ع) زمانی آغاز شد که مناسبات اقتصادی جامعه دچار انحراف شده بود و استکبار اقتصادی جایگزین عدالت اقتصادی شده بود، ثروت‌های عمومی در اختیار طبقه‌ای خاص قرار گرفته بود و غارتگران بیت‌المال همانند چربیدن شتر مهار بریده از علف بهاری آن را به چپاول می‌بردند (نهج البلاغه، خطبه ۳) و در نتیجه این بی‌بندوباری اقتصادی اغلب صحابه که در صدر اسلام پیشگامان تبلیغ و ترویج اسلام بودند و برای شهادت از همدیگر سبقت می‌گرفتند چنان به دنیاگرایی و زراندوزی مشغول بودند که امام (ع) جامعه معاصر خود را دور از فضایل انسانی توصیف دانسته و از فراق اخیار و صالحان و پارسایان و از ماندن در میان گروهی فرومایگان سخن گفت که لب‌ها از بردن نامشان ننگ دارد (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹).

جمهوری اسلامی هم که اشراف‌گرایی طاغوتی را برانداخت و با شیوه‌ها و الگوهای علوی آغاز شد و ادامه پیدا کرد از دوره زمانی مشخصی با تجمل‌گرایی در سطح مردم و مسولان مواجه شد و مشابه کلام علی (ع) از زبان رهبر انقلاب صادر شد که در دیدار نوروزی سال ۱۳۹۷ خطاب به مسئولان کشور فرمودند: «خیلی از شماها از اوایل انقلاب در میدان فعالیت‌های انقلابی بوده اید، یعنی دهه ی ۶۰ را به خوبی درک کرده‌اید. یادتان هست احساسات خودتان در آن دهه را؟ یادتان هست رفتار خودتان در آن دهه را؟ یادتان هست بی‌اعتنایی به مال را که در آن دهه

^۱ . استادیار دانشکده هیات و علوم اسلامی دانشگاه تبریز، گروه معارف اسلامی (۰۹۱۴۱۰۲۸۰۵۷)؛ psy_olya@yahoo.com

^۲ . استادیار دانشکده هیات و علوم اسلامی دانشگاه تبریز، گروه معارف اسلامی؛ sa_behrouz@yahoo.com

^۳ . استادیار دانشکده هیات و علوم اسلامی دانشگاه تبریز، گروه معارف اسلامی؛ e.abbaspur@gmail.com





داشتید؟ اهتمام به خدمت را که در آن دهه داشتید؟ یادمان می‌رود؛ این اشکال کار است.» (مقام معظم رهبری، ۹۷/۱/۲۰).

اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی از این جهت خطرناک و تهدید کننده است که شکاف و فاصله بین طبقات مختلف اجتماع را افزایش می‌دهد و به خصوص اگر در بین مدیران شایع شود فاصله آنها با مردم را افزایش می‌دهد و به تدریج یک حاکمیت رفاه‌گرا و زیاده‌طلب را بر جامعه تحمیل می‌کند که به منافع ملی و حقوق مردم نمی‌اندیشد و همواره درصد تأمین منافع غیرمشروع و پرزرق و برق شخصی و گروهی خود بر می‌آید و زمینه‌های انحطاط و افول اجتماعی را پدید می‌آورد.

حال با توجه به این که حکومت‌های اسلامی اهداف و محدوده عمل یکسانی دارند و جمهوری اسلامی ادامه حاکمیت علوی در دوران غیبت شمرده می‌شود و هر دو حکومت در آسیب دیدن از اشرافی‌گری رنج مشترکی را تجربه کرده‌اند شایسته است برخورد هر دو حکومت با اشرافی‌گری مورد توجه قرار گیرد. به همین منظور پژوهش حاضر این سوال را مورد توجه قرار می‌دهد که شیوه امیرالمومنین (ع) و رهبری انقلاب اسلامی در مقابله با اشرافی‌گری چگونه بوده است؟ بر این اساس با معرفی مفهوم اشرافی‌گری هشدارها و راهکارهای امیرالمومنین در مقابله با آن را مورد مطالعه قرار داده و انطباق هشدارها و راهکارهای امام راحل و رهبری انقلاب اسلامی با آن را بررسی کرده است.

مفهوم‌شناسی اشرافی‌گری

اشرافی‌گری نمادی از فرهنگ سرمایه‌داری است که ممکن است جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و در نتیجه آن رفاه‌زدگی و دنیاگرایی فرهنگ عمومی گردد، ارزش انسان‌ها با پول و جاه و ثروت سنجیده شود و حشر و نشر با سرمایه‌داران و مال‌اندوزان مشروع و پسندیده و فقیران و درماندگان مطرود شوند (علیخانی، ۱۳۷۷: ۴۱). قرآن کریم اشرافی‌گری را با عبارت «مترفین» معرفی کرده است: «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا؛ و چون بخواهیم شهری را هلاک کنیم خوشگذرانانش را و می‌داریم تا در آن به انحراف و فساد بپردازند و در نتیجه عذاب بر آن شهر لازم گردد پس آن را یکسره زیر و زبر کنیم» (اسراء، ۱۶). راغب در مفردات گفته است که: کلمه «ترفه» به معنای توسعه دادن در نعمت است و وقتی گفته می‌شود کسی مترف است بدین معنی است که او نعمتش از حد گذشته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۴). طبرسی هم در مجمع‌البیان «ترفه» را به معنای نعمت دانسته اما تعبیر ابن عرفه را نیز نقل کرده که وی معتقد است «مترف» کسی است که به خود واگذاشته شده، آنچه بخواهد می‌کند، و از وی جلوگیری نشود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۲۵).

این اصطلاح با مشتقاتش هشت بار در قرآن کریم تکرار و مذمت شده و خداوند در آیه فوق هشدار داده است که اگر افراد یا جوامعی در مال و ثروت طغیان‌گری کنند در گرداب فساد فرو می‌افتند و به تدریج حالات روحانی و انسانی خود را از دست می‌دهند و به انواع فساد مالی، اخلاقی و ... آلوده شده و به سوی نابودی گام برمی‌دارند. پدیده اشرافی‌گری مورد توجه جامعه شناسان نیز قرار گرفته و از منظر آنان ضد اعتدال و عدالت و مزاحم قوانین سازنده





معرفی شده است؛ منتسکیو معتقد است که اگر روح به تجمل عادت کند با قوانینی که مزاحم او هستند به مبارزه برمی‌خیزد، وی تجمل را مرضی می‌داند که لحظه به لحظه به شدت افزوده می‌شود و جراحاتش رو به گسترش می‌رود در حدی که گاه انسان از عزیزترین کسان و فرزندان خود چشم می‌پوشد و برای تأمین تجمل در معرض فروش می‌گذارد، برای نمونه در چین تجمل به قدری زیاد بود که مردم وقتی می‌خواستند بچه‌هایشان را بفروشند، کفش‌ها و کلاه‌های قلابدوزی شده به پا و سر آنها می‌کردند و آنها را آرایش می‌نمودند تا مورد پسند مشتری قرار گیرد (رادمنش، ۱۳۵۷: ۲۲۵). ابن خلدون هم تجمل‌گرایی و غرق شدن در اسراف و تبذیر را خطرناک‌ترین عامل برای فروپاشی یک نظام سیاسی می‌داند و تصریح می‌کند که تجمل‌پرستی خصال نیک را که نشانه و راهنمای کشور داری است از میان می‌برد (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۳۲۲). بنابراین اشرافی‌گری پدیده‌ای است که در ذات خود دارای خطرات فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد اما این خطر زمانی مضاعف می‌شود که اشراف‌گرایان در ارکان حکومت نفوذ کنند چرا که همه عوامل حکومت را به استخدام خود می‌گیرند و تفکر سرمایه‌داری محور تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی آنان می‌شود و همچنانکه مقام معظم رهبری هشدار دادند اگر حاکمیت جریان اشرافی‌گری اتفاق بیفتد ریل‌گذاری‌ها را در همین جهت انجام داده و کشور را بدبخت خواهند کرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۱/۲۸).

راهکارهای مبارزه با اشرافی‌گری در سیره امام علی و رهبری انقلاب اسلامی

پرهیز رهبران و مدیران جامعه از اشرافیت و همانندی زندگی آنان با مردم موجب می‌شود بینشی صحیح و واقع‌گرایانه از جامعه داشته باشند و تصمیمات و سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که رفاه اقتصادی نسبی را در جامعه ایجاد کند و اگر نتوانند در این راه موفقیتی به دست آورند دست کم تحمل فقر برای مردم آسان‌تر می‌شود و بدین وسیله از آثار منفی روانی و فرهنگی آن جلوگیری می‌شود و جایگاه مردمی نظام آسیب نمی‌بیند (علیخانی، ۱۳۷۷: ۴۱). مبارزه با اشرافی‌گری در رأس برنامه‌های حضرت علی (ع) و مقام معظم رهبری بوده است که در ذیل برخی آنها مورد توجه قرار می‌گیرد؛

۱- اعلان عمومی اموال مسولان

امام علی (ع) بر خلاف زندگی اشرافی اکثر صحابه در نهایت سادگی زندگی می‌کرد و به خصوص زمانی که عهده‌دار حکومت شد رویه‌ای را اتخاذ کرد که بر ساده‌زیستی مسؤلان تأکید کرده و به عموم مردم و مدیران بفهماند که ثروت یک مدیر پیش و پس از حاکمیت باید تفاوت چندانی نکند. ایشان موقع ورود به کوفه فرمودند: «دَخَلْتُ بِلَادِكُمْ بِأَشْمَالِي هَذِهِ وَ رَحَلْتِي وَ رَاحِلْتِي هَا هِيَ فَإِنْ أَنَا خَرَجْتُ مِنْ بِلَادِكُمْ بَعِيرٍ مَا دَخَلْتُ فَإِنِّي مِنَ الْخَائِبِينَ؛ وقتی وارد شهر شما شدم با این شتر و اثاثیه و وسایل بودم که هنوز از آن استفاده می‌کنم و اگر هنگامی که از شهر و دیار شما می‌روم با چیزی غیر از این‌ها باشم پس من جزء خائنین هستم (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۰۰). آن حضرت در مسیر کوفه در سخنانی که به اهل بصره داشتند همین رویه را در پیش گرفته و فرمودند: «مَا تَقْمُونَ عَلَيَّ يَا أَهْلَ





الْبَصْرَةَ وَ أَشَارَ إِلَى قَمِيصِهِ وَ رَدَائِهِ فَقَالَ: وَ اللَّهُ إِنَّهُمَا لَمِنْ غَزَلِ أَهْلِي مَا تَنْفَمُونَ مِنِّي يَا أَهْلَ الْبَصْرَةَ وَ أَشَارَ إِلَى صُرَّةٍ فِي يَدِهِ فِيهَا نَفَقَتُهُ فَقَالَ وَ اللَّهُ مَا هِيَ إِلَّا مِنْ غَلَّتِي بِالْمَدِينَةِ فَإِنِ أَنَا خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِكُمْ بِأَكْثَرِ مِمَّا تَرَوْنَ فَأَنَا عِنْدَ اللَّهِ مِنْ الْخَائِنِينَ؛ ای اهل بصره چرا به من ایراد می‌گیرید؟ سپس ایشان به لباس‌شان اشاره کرده و فرمودند: به خدا سوگند این لباس‌ها از بافته‌های اهل خانام است! ای اهل بصره چرا به من ایراد می‌گیرید؟ و بعد با اشاره به کیسه‌ای که همراه‌شان بود و در آن غذای‌شان قرار داشت فرمودند: به خدا سوگند این کیسه چیزی جز همان خوراک و غلاتی نیست که از مدینه همراه خود آورده‌ام! پس اگر از شهر شما با بیشتر از آنچه شما دیده‌اید خارج شوم نزد خدا جزء خائنین هستم (شیخ مفید، ۱۳۶۵: ۴۲۲). نکته دقیق‌تر که نشان می‌دهد این رفتار اختصاص به امام علی نداشت بلکه سیره ائمه بوده است رفتار امام حسن مجتبی (ع) است که در شب شهادت امام علی در مسجد حاضر شده و صورت اموال آن حضرت را برای مردم قرائت کرده و فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ قُبِضَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ رَجُلٌ مَا سَبَقَهُ الْأَوْلُونَ وَ لَا يَذِرُكَ إِلَّا خِرُونَ وَ اللَّهُ مَا تَرَكَ بِيضَاءً وَ لَا حَمْرَاءَ إِلَّا سَبْعِمِائَةَ دِرْهَمٍ فَضَلَّتْ عَنْ عَطَائِهِ أَرَادَ أَنْ يَشْتَرِيَ بِهَا خَادِمًا لِأَهْلِهِ؛ ای مردم امشب مردی از دنیا رفت که پیشینیان بر او سبقت نگرفتند و پسینیان به او نرسند..... به خدا که او از مال سفید و سرخ دنیا جز هفتصد درهم نگذاشته که آن هم از عطایا و انفاقاتش زیاده آمده بود و می‌خواست با آن پول خدمت‌گزاری برای خانواده‌اش بخرد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۵۷).

مقام معظم رهبری در تأسی به این سیره فرمودند: «در مورد تعدادی از مقامات- مثل رهبری، ریاست جمهوری، و بعضی‌های دیگر -- هست که اینها اول مسئولیتشان باید گزارش موجودی مال خودشان را بدهند، از مسئولیت هم که کنار رفتند، باز بایستی صورت موجودیشان را بدهند، تا معلوم بشود که در این مدت چه چیزی گیرشان آمده و چه چیزی اضافه کرده‌اند. البته این اصل هم اجرا می‌شود. بنده خودم به مناسبت شروع مسئولیت ریاست جمهوری و پایانش و نیز مسئولیت بعدی، بارها این ورقه را پُر کردم و برای قوه قضاییه فرستادم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۹/۱).

بر این اساس اعلام اموال مسئولین یک رویه مورد تأیید و تأکید اسلام و انقلاب است و باعث اعتماد هر چه بیشتر مردم به مدیران و مسئولان می‌شود و فضای غبارآلود و مهیا برای شایعه و تهمت را از بین می‌برد. بنابراین امروزه لازم است همه مدیران و مسئولان برای این که در برابر لغزش‌های ناشی از قدرت سیاسی و اقتصادی مصونیت پیدا نکنند از این بازدارنده اجتماعی نیز بهره برده و با اقتدا به سیره علوی و رهبر انقلاب صورت اموال خود را قبل از پذیرش مسئولیت در اختیار قوه قضاییه و در ایده‌آل‌ترین وجه در اختیار افکار عمومی قرار دهند.

۲- ارزیابی اشرافیگری به عنوان اولین مشکل

اشرافی‌گری از نظر امام (ع) مهمترین مشکل جامعه بود و به همین دلیل اولین دستورات و رفتار حکومتی ایشان را به خود اختصاص داد. آن حضرت در نخستین خطبه‌های خود وعده داد که اموال به تراج رفته از بیت‌المال مسلمین را باز می‌گرداند. در روز دوم خلافت خود با صراحت وعده داد هر زمین و ثروتی را که خلیفه پیشین بخشیده است به





بیت المال باز گرداند حتی اگر آن را مهریه‌ی همسرانشان کرده باشند» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۶۹). این موضع‌گیری باعث شد برخی از بزرگان صحابه برای آن حضرت استدلال کرده و سبقت در اسلام، جهاد در راه خدا یا همراهی با پیامبر را اسباب امتیاز در برخورداری از بیت‌المال شمرده و به توجیه ویژه خواری پرداختند که آن حضرت اعلام داشت پاداش این امور با مال نیست و خداوند در روز قیامت اجر مجاهدین و سابقین در اسلام و اصحاب پیامبر را خواهد پرداخت (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۷، ج ۷: ۳۷).

اشرافی‌گری مسولان جامعه اسلامی از منظر مقام معظم رهبری نیز اولین معضل ارزیابی شده است؛ ایشان ضمن بیان ضعف‌ها و خطرهای سر راه انقلاب اسلامی و ضرورت پیشگیری از آنها فرمودند: «اولین ضعف ما گرایش به دنیاطلبی بود که گریبان بعضی از ماها را گرفت. بعضی از ما مسئولین دچار دنیاطلبی شدیم، دچار مادیگرایی شدیم؛ برای ما ثروت، تجمل، آرایش، تشریفات و اشرافی‌گری یواش یواش از قبح افتاد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

۳- هشدار نسبت به خدشه‌دار شدن اعتماد مردم

شواهد حاکی است که از نظر امام (ع) مسئولان حکومتی باید میزان خشنودی و رضایت عموم مردم را نیز مد نظر قرار دهند. امیرالمومنین در نامه ۵۳ برای عموم مردم از لفظ «ستون دین» استفاده کرده است و این تعبیر نشان از جایگاه مردم در نزد آن حضرت دارد. بر این اساس طبیعی است که آن حضرت بر حفظ اعتماد عمومی مردم که سرمایه حکومت می‌باشند تأکید کند؛ امام در این نامه با خواص‌گرایی مدیران و کارگزاران حکومتی مخالفت نموده و مالک اشتر را به مردم‌گرایی توصیه کرده است: «باید محبوبترین امور نزد تو میانه‌ترینش در حق، و همگانی‌ترینش در عدالت، و جامع‌ترینش در خشنودی رعیت باشد. چرا که خشم عموم، خشنودی به خواص را بی‌نتیجه می‌کند و خشم خواص در برابر خشنودی عموم بی‌اثر است. خواص جامعه همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند. زیرا در روزگار سختی یاری‌شان کمتر، و در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر، و در خواسته‌هایشان پافشارتر، و در عطا و بخشش‌ها کم‌سپاس‌تر، و به هنگام منع خواسته‌ها دیر عذر پذیرتر، و در برابر مشکلات کم‌استقامت‌تر می‌باشند. در صورتی که ستون‌های استوار دین و اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند. پس به آنها گرایش داشته باش و اشتیاق تو با آنان باشد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

همچنان که حضرت هشدار داده است که زیاده‌خواهی خواص مردم را از حکومت جدا نکند مقام معظم رهبری هم روحیه اشرافی‌گری مدیران و خواص را موجب سلب اعتماد عموم مردم دانسته و می‌فرماید: «شما چگونه می‌خواهید محبت و اطمینان مردم را جلب کنید؟ مردم باید به من و شما اطمینان داشته باشند. اگر ما دنبال مسائل خودمان افتادیم، دنبال تجملات و تشریفاتمان رفتیم، در خرج کردن بیت‌المال هیچ حدی برای خودمان قائل نشویم - مگر حدی که در دسر قضایی درست کند - و هر چه توانستیم خرج کردیم، مگر اعتماد مردم باقی می‌ماند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۵/۲۳). ایشان در اولین سال‌های رواج اشرافی‌گری مدیران در هشدار تندی خطاب به مسئولان نظام فرمودند: «مگر مردم کورند؟ آقایان! مگر مردم نمی‌بینند که ما چگونه زندگی می‌کنیم؟ نمی‌شود ما در زندگی مادی





مثل حیوان بچریم و بغلتیم ... مثل اشراف عروسی بگیریم، مثل اشراف خانه درست کنیم!... از آیه‌ی شریفه‌ی «إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا» بترسیم. اندازه نگه دارید. اینها ما را از مردم دور می‌کند. مردم رودربایسی ندارند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۵/۲۳).

جنس نگرانی رهبر انقلاب با امام علی (ع) در سلب اعتماد مردم یکسان است و همانگونه که امام علی از عدم پشتیبانی مردم از حکومتی که بدان اعتماد ندارند نگران است رهبر معظم نیز می‌فرماید: «حالت تکبر، حالت نخوت، روحیه اشرافی‌گری، روحیه خود را برتر دانستن، مردم را داخل آدم حساب نکردن، اینها بالاخره به صورتی بروز خواهد کرد، وقتی که بروز کرد، مردم فهمیدند، چیزی هم نمی‌گویند، اما بی‌اعتنایی می‌کنند آن وقت دیگر این محبت و صمیمیت را که شما الان ملاحظه می‌کنید به تدریج از بین خواهد رفت و همه چیز تمام خواهد شد.» (روزنامه ایران، ۷۵ / ۱۲ / ۲۴).

۴- هشدار نسبت به تغییر ذایقه مردم

حضرت علی (ع) معتقد است رهبران و مدیران باید در خوراک و پوشاک همانند ضعیف‌ترین مردم زندگی کنند و از هیچ چیز اضافی که آنان قادر به تهیه آن نیستند برخوردار نباشند تا فقرا با دیدن رهبران در آنچه هستند از خدا راضی باشند و ثروتمندان با دیدن آنان شکر و تواضعشان بیشتر شود (محمودی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۴۹)، چنین رویکردی ضمن این که موجب می‌شود مدیران جامعه بینش صحیح و واقع‌گرایانه از اجتماع و مردم داشته و تصمیم‌هایی بگیرند که در جهت بهبود وضع اقتصادی مردم باشد تحمل فقر و مشکلات را برای مردم آسان می‌کند و زمینه‌های رقابت اشرافیت بین مردم را از بین می‌برد. آن حضرت انتخاب چنین سطحی از زندگی را برای مدیران دستور خدا می‌داند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَيَّ أُمَّةً [الْحَقِّ] أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ» خداوند بر پیشوایان حق واجب شمرده که بر خود سخت گیرند و همچون طبقه ضعیف مردم باشند، تا نداری فقیر را همچون خود نیابد (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹).

مقام معظم رهبری هم روحیه اشرافی‌گری مدیران را در تضاد با صفا و صمیمیت مردمی دانسته و معتقدند اگر اشرافی‌گری در قلّه‌های جامعه به وجود آمد به بدنه آن سرریز می‌شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۱۱/۵)، فرهنگ-ساز می‌کند و یک عده نوکیسه و تازه به دوران رسیده را به خرج‌ها و تجمل‌بازی زیادی تشویق می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۶/۵). ایشان با تأکید بیشتر می‌فرمایند که باید زندگی، نوع غذا و مصرف مسئولان جمهوری اسلامی و اعضای خانواده‌شان شبیه ضعفای مردم باشد تا مردم آنها را از خود و خود را همراه آنها بدانند (روزنامه ایران، ۲۴ / ۱۲ / ۷۵). در صحبت دیگری ایشان در پاسخ به پرسش‌های دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف فرمودند: یکی از کارهایی که اشرافی‌گرایان می‌کنند این است که در مردم این ذهنیت را به وجود بیاورند که این چیز خوبی است و ارزش است، کمالینکه قبل از انقلاب این‌طوری بود. قبل از انقلاب، مسئولان حکومت، هرچه بیشتر با تشریفات و جاه و جلال و تکبر و تفرعن و لباس‌های فاخر ظاهر می‌شدند، یک عده از عوام مردم بیشتر خوششان می‌آمد، فرهنگ عمومی را این‌گونه شکل داده بودند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۹/۱).





۵- پاک‌سازی دستگاه حکومت از اشراف

گسترش فرهنگ ساده‌زیستی در جامعه باید از سوی مسئولان آغاز شود و با توجه به این که مردم در روش زندگی و معاشرت به حاکمان خود نظر می‌کنند شایسته است که رهبران روشی را در زندگی برگزینند که الگوی مناسبی برای مردم جامعه باشند و اگر کسانی براین باور و اعتقاد نیستند باید از مسئولیت خود کنار گذاشته شوند. شیوه امیرالمومنین (ع) این بوده که در حکومت خود به اشراف بها نداد. آن حضرت پالایش مناصب حکومتی از اشراف و افراد فاسد را در اولویت قرار داد؛ زیرا وجود آنها با روش و هدف حاکمیت امام سازگار نبود؛ معاویه بن ابی سفیان، عبدالله بن عامر، یعلی بن امیه و عبدالله بن ابی سرح از جمله‌ی این کارگزاران بودند که از قبل در مناصب مهم منصوب شده بودند و برکناری آنها ممکن بود موجب اعتراض‌ها و ناآرامی‌هایی از طرف اطرافیان و طرفداران آنها گردد؛ بنابراین برخی از سیاست‌مداران مانند مغیره بن شعبه و عبدالله ابن عباس خواستار ابقای این کارگزاران به‌ویژه معاویه شدند، اما امام (ع) با قاطعیت مخالفت نموده و در مقام برکناری آنان برآمد (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷، ج ۱۰: ۲۳۲ و ج ۲: ۳۷۵). در نخستین روزهای حکومت آن حضرت (ع) ولید بن عقبه به نمایندگی از خود، سعید بن عاص، طلحه، زبیر، مروان و عبدالله بن زبیر به امام گفت: «ما با شما بیعت می‌کنیم به شرط آنکه اموالی را که در زمان عثمان به دست آورده‌ایم از ما پس نگیری.» امام ضمن رد پیشنهاد او فرمود که: «این حق خداست و من نمی‌توانم از آن چشم‌پوشم» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳۲: ۱۹). امام با این برخورد قاطعانه این همه بزرگان سیاست و صحابه را که آلوده به فساد شده بودند از دخالت در حکومت محروم کرد و آنان از امام جدا شده و در برابرش صف‌آرایی کردند.

امام خمینی (ره) نیز با مقابل قرار دادن «کاخ‌نشینی» و «کوخ‌نشینی» حضور کاخ‌نشینان در مناصب سیاسی را خطرناک توصیف کرده و آن را موجب نابودی کشور می‌داند: «آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتح‌ی دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس‌جمهور ما خدای نخواست، از آن خوی کوخ‌نشینی بیرون برود و به کاخ‌نشینی توجه کند آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند پیدا می‌شود. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ‌نشینی پیدا کنند خدای نخواست، و از این خوی ارزنده‌ی کوخ‌نشینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم» (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۱۷: ۳۷۶).

مقام معظم رهبری نیز در فرمان ۸ ماده‌ای مبارزه با فساد تأکید کردند در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود و هیچ‌کس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثنا شود، ایشان در ادامه بر ضرورت برکناری این دسته افراد تأکید کرده و فرمودند: «اگر من کسی را منصوب کرده باشم و بعد در او عیبی از قبیل همین مفاسد اقتصادی ببینم بدون تردید با او مماشات نمی‌کنم و او را کنار می‌گذارم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۲/۲۲). ایشان در سال ۱۳۹۵ نیز که بحث فیش‌های نجومی برخی مدیران طرح شده بود دستور دادند با این پدیده با جدیت مقابله بشود و عزل کردن و برکنار کردن و برگرداندن بیت‌المالی به صورت نامشروع صرف شده است در دستور کار قرار گیرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۴/۱۶).





۶- تربیت دینی و اخلاقی کارگزاران

یکی از راه‌های پیشگیری و مبارزه با فساد اداری در سیره‌ی مدیریتی حضرت علی(ع)، تقویت ایمان و باورهای دینی کارگزاران حکومتی بوده است. بیانات آن حضرت در نامه ۵ خطاب به اشعث در آذربایجان، نامه ۲۶ خطاب به عثمان بن حنیف در مصر، نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر و نامه به رفاعه در هواز نشان می‌دهد که ایشان تا چه اندازه سعی در تربیت دینی و اخلاقی کارگزاران داشته‌اند. شیوه آن حضرت این بود که مدیران اشرافی را حتی اگر از حلال افزوده بودند سرزنش کرده و برایشان معاد را متذکر می‌شدند؛ هنگامی که به امام خبر دادند که شریح‌بن حارث، قاضی منصوب امام(ع) خانه‌ای به هشتاد دینار خریده است، او را احضار کرد و با نگاه خشم‌آلود فرمود: «به من خبر داده‌اند که خانه‌ای به هشتاد دینار خریده‌ای و سندی برای آن نوشته‌ای و گواهی‌های آن را امضاء کرده‌اند. ای شریح به زودی کسی به سراغ می‌آید که به نوشته‌ات نگاه نمی‌کند و از گواهانت نمی‌پرسد. تا تو را از آن خانه بیرون کند و تنها به قبر سپارد. ای شریح! اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران یا با پول حرام خریده باشی که آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده‌ای! اگر هنگام خرید خانه، نزد من آمده بودی برای تو سندی می‌نوشتیم که دیگر برای خرید آن به درهمی یا بیشتر، رغبت نمی‌کردی، آن سند را چنین می‌نوشتیم: این خانه‌ای است که بنده‌ای خوار آن را از مرده‌ای آماده کوچ خریده، خانه‌ای از سرای غرور که در محله نابود شوندگان و کوچه هلاک‌شدگان قرار دارد، این خانه به چهار جهت منتهی می‌گردد: یک سوی آن به آفت‌ها و بلاها، سوی دوم آن به مصیبت‌ها، و سوی سوم آن به هوا و هوس‌های سست کننده و سوی چهارم آن به شیطان گمراه کننده ختم می‌شود و در خانه به روی شیطان گشوده است (نهج البلاغه، نامه ۳). ایشان در مورد دیگر وقتی از ساخت خانه باشکوه یکی از کارگزاران خود مطلع شدند فرمودند: «اطْلَعْتَ الْوَرَقُ رُوْسَهَا! إِنَّ الْبِنَاءَ يَصِفُ لِك الْغِنَى؛ سکه‌های طلا و نقره سر برآورده، خود را آشکار ساختند، همانا ساختمان مجلل بی‌نیازی و ثروتمندی تو را می‌رساند» (نهج البلاغه، حکمت، ۳۵۵).

مقام معظم رهبری نیز در درس خارج فقه خود زمانی از دریافت نامه‌ای خبر دادند که در آن نوشته شده بود بعضی از افراد حاضر در درس، با ماشین‌های گران‌قیمت دویست میلیونی تردد می‌کنند، ایشان ضمن مذمت اسراف و توصیه‌های اخلاقی که داشتند عمل، ورع، اجتهاد، زهد، بی‌رغبتی، نرفتن به دنبال زخارف مادی و زیبایی‌های ظاهری زندگی را وظیفه همگانی بیان کرده و در نهایت استفاده از ماشین‌های گران‌قیمت را برای روحانیون و طلاب حرام اعلام کردند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۱۱/۱۷). البته این حکم خاص برای روحانیت شاید بدین دلیل باشد که روحانیت از مهم‌ترین گروه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری و تداوم انقلاب هستند و اشرافی‌گری آنها آفت مضاعف دارد، نکته قابل توجه در این زمینه اشتراک دیدگاه معظم‌له با نگرش امام(ره) است که فرمودند: «من اکثر موفقیت‌های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می‌دانم. و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود، که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت. هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست. و هیچ وسیله‌ای هم نمی‌تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند» (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۱: ۹۹).





جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مبارزه حضرت علی با اشرافی‌گری علی‌رغم این که یک الگوی جهانی و جاودانه بر جا گذاشت و در دوران خودش دستاوردهای قابل توجهی برای مستضعفین عصر خود داشت اما حرکتی از سوی نظام سیاسی بود و در سطح پایین جامعه از همراهی کامل مردم برخوردار نشد و آن طور که مورد نظر امام بود به نتایج ایده‌آل خود دست پیدا نکرد. در جمهوری اسلامی نیز با این همه تأکیدات و هشدارهای امام (ره) و مقام معظم رهبری، تدوین قوانین پیشگیرانه و تلاش‌های سازمان‌های نظارتی و بازرسی هنوز مبارزه با اشرافی‌گری به نتیجه مطلوب نرسیده و با اهداف شایسته نظام اسلامی فاصله دارد. از تجربه تاریخی حکومت امام علی (ع) و از بیانات مقام معظم رهبری چنین به نظر می‌رسد که این ناکامی نسبی بدین دلیل است که مبارزه با اشرافیت نه تنها به فرهنگ عمومی تبدیل نشده و در رأس مطالبات مردم قرار نگرفته حتی هنوز از همراهی بخش‌های مهمی از حاکمیت نیز برخوردار نیست. مقام معظم رهبری در دیدار نمایندگان مجلس هفتم از این واقعیت شکایت کرده و فرمودند: «آن روزی که بنده مسئله مبارزه با فساد را گفتم، توقعم این بود که مجلس شورای اسلامی سینه سپر کند و جلو بیاید و در این میدان حرکت کند تا ما دیگر احتیاج نداشته باشیم دنبال کنیم؛ اما متأسفانه این طور نشد. آنها نکردند، شما بکنید» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۳). ایشان در بیان دیگری حلقه مفقوده مبارزه با اشرافیت را فرهنگ عمومی دانسته و فرمودند: «این اشرافی‌گری، با احساس عمومی مردم، با نوشتن، با گفتن و با ترویج این فکر درست خواهد شد؛ این باید به یک فرهنگ تبدیل بشود؛ کاری نیست که بشود به صورت دادگاه ویژه و محاکمه و امثال این‌ها درستش کرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۲/۱).

اما نکته تأسف بار این است که برخی رویه‌های غلط پذیرفته شده که مانع اجرای دستورات رهبری می‌شوند از شکل‌گیری فرهنگ ضد اشرافیت ممانعت می‌کنند. رهبری به این رویه‌های غلط اشاره کرده و فرمودند «گزارش آمده که روحانی عقیدتی، سیاسی در یکی از دستگاه‌ها، خودش ماشین دارد، ولی ماشین دولتی سوار می‌شود! من نوشتم که حق ندارد این کار را بکند! برای من جواب آمد که این کار رویه است و همه می‌کنند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۵/۲۳). نظر مقام معظم رهبری این است که برای فرهنگ‌سازی و تغییر این قبیل رویه‌های غلط و وادار کردن مسئولان به مبارزه با اشرافیت، حضور مردم و فرهنگ عمومی ضد اشرافی‌گری الزامی است و این مبارزه باید در سطوح پایین جامعه و بدنه مردمی و دانشجویی به مطالبه اصلی تبدیل شود، به همین دلیل ایشان دانشجویان را به این مطالبات جدی مکلف کرده و فرمودند: «هر جوان معتقد به عدل اسلامی ذهن و دل خود را به آن متوجه می‌یابد و از کسانی که مظنون به چنین تخلفاتی شناخته می‌شوند، پاسخ می‌طلبد و همچنین در کنار آن از دولت، مجلس و دستگاه قضایی عملکرد قاطعانه برای ریشه کن کردن این فسادها را مطالبه می‌کند. امروز این مهم‌ترین و مطرح‌ترین مسئله کشور ماست و نسل دانشجوی متعهد و مومن نمیتواند نسبت به آن بی تفاوت باشد.» (مقام معظم رهبری ۶/۱/۸۶).





پژوهش حاضر در حد خودش گام کوچکی برای ساختن فرهنگ مطالبه‌گری ضد اشرافیت است که برداشته شد و راهکارهای بیان شده فقط بخشی از شیوه‌های مقابله با اشرافی‌گری در حکومت علوی و انقلاب اسلامی است و بدون تردید تتبع بیشتر پژوهشگران می‌تواند پرسش‌ها و پاسخ‌های فراوانی را پیش روی اندیشمندان اسلامی و انقلابی قرار دهد و در نهایت یک گام فراتر نهاده شده و راهکارهایی استخراج و ارائه شوند که از تجارب موفق حضرت علی(ع) و رهبری انقلاب اسلامی بهره برده و غلبه بر اشرافی‌گری را تضمین نمایند.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند
 نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی
 ابن ابی الحدید، عبدالحمید(۱۳۸۷) شرح نهج البلاغه، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره
 ابن خلدون، عبدالرحمن(۱۳۶۶) مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین، تهران، انتشارات علمی فرهنگی
 امام خمینی(ره)، سید روح‌الله(۱۳۸۱)، صحیفه نور، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
 رادمنش، عزت‌الله(۱۳۵۷) کلیات عقاید ابن خلدون، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
 راغب اصفهانی، حسین بن محمد(۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم.
 شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الجمل و النصرة لسید العتره فی حرب البصره، تحقیق السید علی میرضیعی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۶۵
 طبرسی، فضل بن حسن(۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو
 عزت‌الله(۱۳۵۷)، کلیات عقاید ابن خلدون، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
 علی اکبر علیخانی(۱۳۷۷)، ویژگی های جامعه مطلوب از دیدگاه امام علی، فصلنامه دانشگاه اسلامی، ش ۵، ص ۲۲-۴۸.
 کلینی، محمد بن یعقوب(۱۳۶۳)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه
 مجلسی، محمدباقر(۱۴۰۴)، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الأطهار، بیروت، موسسه الوفاء
 محمودی، محمدباقر(۱۳۷۶)، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، تصحیح عزیز آل طالب، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 آرشیو روزنامه ایران، ۱۳۷۵
 مقام معظم رهبری، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>، تاریخ مراجعه، بهمن ۱۳۹۷

